

تکریم سالمندان در آموزه‌های دینی

حجت‌الاسلام والمسلمین مسعود حکیمیان*

مقدمه

سالمندی، یکی از مراحل عمر انسان است که قرآن کریم از آن با واژگان «شَیْب، شَیْخ، کِبَر، اِرْدَلُ الْعُمُر، وَهْنُ الْعِظْم» یاد می‌کند. خداوند در قرآن کریم^۱ در ترسیم خط عمر انسان به دو ضعف در وجود انسان اشاره کرده است؛ یکی «کودکی» که به صراحت از آن نامی نبرده و دیگری «شبیّه» یا همان پیری است که به آن تصریح دارد. این تعبیر ممکن است به خاطر دردناک‌تر بودن ضعف پیری نسبت به ضعف کودکی باشد؛ زیرا ضعف پیری پس از غرور جوانی و زورمندی آن اتفاق می‌افتد؛ در حالی که ضعف کودکی چنین پیشینه‌ای ندارد. در واقع این ضعف، هشدار به انسان‌هاست که در دوران جوانی و میان‌سالی زندگی می‌کنند. در روایات نیز با استفاده از این واژگان و واژگان دیگری همانند «هَرَم»، «طول العُمُر» و «ذو شبیه» به سالمندی اشاره شده است. از آنجایی که آیات و روایات فراوانی در تکریم سالمندان مطرح شده است و از سوی دیگر هَرَم جمعیتی کشور در حوزه سالمندان، رو به افزایش است^۲ و سالمندان در تمام طول عمر، همت و جوانی خود را صرف اعتلای جامعه کرده‌اند، توجه به این قشر اهمیت می‌یابد. نوشتار پیش‌رو موضوع تکریم سالمندان در آموزه‌های دینی را مورد بحث و

* دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج‌البلاغه، دانشگاه قرآن و حدیث.

۱. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً...؛ خداست که شما را از ناتوانی آفرید، سپس بعد از ناتوانی قدرت و نیرو داد، آن‌گاه بعد از نیرومندی و توانایی ناتوانی و پیری قرار داد». روم: ۵۴.

۲. آمارها گویای آن است که تا سال ۲۰۵۰ میلادی، شمار سالمندان کشورمان به بیش از ۲۶ میلیون نفر می‌رسد. ر.ک: حسن اصغرپور و غلامرضا معارفی، «جایگاه سالمندان و نحوه تعامل با آنها در روایات اهل بیت (علیهم‌السلام)»، نشریه سالمندشناسی، ص ۳.

بررسی قرار خواهد داد.

۱. آموزه‌های دینی در تکریم سالمندان

تکریم سالمندان در آموزه‌های دینی را می‌توان از دو منظر مورد بررسی قرار داد؛ یکی از منظر عام تکریم به انسان و دیگری از منظر خاص تکریم به انسان سالمند. هر انسانی از منظر اخلاقی و عام باید دیگران را خواه سالمند باشد یا نباشد، تکریم کند؛ اما از منظر خاص، تکریم انسان سالمند نیز مورد تأکید اسلام است: «عَظُّوا كِبَارَكُمْ؛ بزرگسالان خود را بزرگ بشمارید و احترام کنید». از این رو در ادامه به برخی از آیات و روایات در این زمینه اشاره می‌شود.

۱-۱. تکریم سالمندان در آئینه قرآن

تکریم سالمندان و احترام ویژه به آنان، یکی از مهم‌ترین آموزه‌های قرآن کریم است. از آنجا که فرد سالمند یا در خانواده و همراه با ماست و یا در جامعه و از خانواده‌ای دیگر می‌باشد؛ ما موظفیم با احترام در خانواده به عنوان بزرگ خانواده و در بیرون از خانواده به عنوان یک وظیفه اجتماعی، با آنان رفتار کنیم. قرآن از دو منظر به این موضوع اشاره کرده است:

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَلَا تُنْهَرُهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا^۱؛ به پدر و مادر نیکی کنید.

هر گاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن‌ها نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آن‌ها روا مدار و بر آن‌ها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگووارانه به آن‌ها بگو و برای هر دو از روی مهر و محبت، بال فروتنی فرود آر و بگو: پروردگارا! آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی تربیت کردند، مورد رحمت قرار ده.

در ابتدای آیه آمده است: «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا». این قسمت

دارای شش نکته است که بر تکریم پدر و مادر به عنوان بزرگ خانواده تأکید و اشاره دارد:

۱. واژه «قَضَىٰ» که مفهوم مؤکدتری از واژه «امر» دارد و امر و فرمان قطعی و محکم را

می‌رساند. از این رو فرمان نیکی به والدین مانند فرمان توحید، قطعی و نسخ‌نشدنی است؛

۲. قرار دادن اصل توحید که اساسی‌ترین اصل اسلامی است، در کنار نیکی به پدر و مادر

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲. اسراء: ۲۳-۲۴.

نشان می‌دهد این کار، هم واجب عقلی و هم واجب شرعی است؛

۳. اطلاق واژه «احسان» در آیه، هر گونه نیکی را در بر می‌گیرد. احسان، بالاتر از انفاق است و شامل محبت، ادب، آموزش، مشورت، اطاعت، تشکر، مراقبت و... می‌شود؛

۴. نکره بودن واژه «احساناً» برای بیان عظمت است و این نکته را گوشزد می‌کند که احسان به والدین، حد و مرز نمی‌شناسد؛

۵. واژه «احسان» معمولاً با «الی» متعدی می‌شود (أَحْسَنَ إِلَيْهِ)، اما گاهی به وسیله «باء» متعدی می‌شود تا این مطلب را برساند که در احسان باید مباشرت باشد و شخص باید بدون واسطه به پدر و مادر محبت کند و به آن‌ها احترام بگذارد، نه با واسطه دیگران؛

۶. مطلق بودن واژه «والدین» که مسلمان و کافر بودن را شامل می‌شود و بیان می‌کند که در احسان به پدر و مادر، فرقی میان آن دو نیست؛

در قسمت دوم آیه مستقیماً به زمان سالخوردگی اشاره می‌کند و می‌فرماید:

إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آن‌ها نزد تو به سن پیری و شکستگی برسند (آنچنان که نیازمند به مراقبت دائمی تو باشند)، از هر گونه محبت در مورد آن‌ها دریغ مدار و کمترین اهانتی به آنان مکن، حتی سبک‌ترین تعبیر نامؤدبانه یعنی «اف» به آنان مگو و بر سر آن‌ها فریاد مزن؛ بلکه با گفتار سنجیده و لطیف و بزرگووارانه با آن‌ها سخن بگو.

پدر و مادر در زمان پیری بیشتر از همه زمان‌ها به حمایت، محبت و احترام فرزندان و جامعه نیازمند هستند. از این رو، فرزندان باید آن‌ها را نزد خود نگهدارند و تا حد امکان آنان را از خود دور نکنند و به خانه سالمندان یا جای دیگر نفرستند. آن‌ها ممکن است بر اثر کهولت سن به جایی برسند که نتوانند بدون کمک دیگری حرکت کنند و از جا برخیزند و حتی ممکن است قادر به دفع آلودگی از خود نباشند. در چنین شرایطی است که آزمایش بزرگ فرزندان شروع می‌شود. آیه در ادامه به نکته دیگری اشاره می‌کند و می‌فرماید: «کم‌ترین سخن اهانت‌آمیز را به آن‌ها مگو و با گفتار کریمانه با آنان سخن بگو؛ حتی اگر با تو سخن درشت گفتند، تو با آنان کریمانه برخورد کن».^۱

شهید مطهری رحمته‌الله می‌گوید: گاه گاهی که به اسرار وجودی خود و کارهایم

۱. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۲، ص ۷۶-۷۴ و ج ۷، ص ۴۲-۴۰.

می‌اندیشم، احساس می‌کنم یکی از مسائلی که باعث خیر و برکت در زندگی‌ام شده و همواره عنایت و لطف الهی را شامل حال من کرده است، احترام و نیکی فراوان بوده است که به والدین خود به ویژه در دوران پیری و هنگام بیماری کرده‌ام. یکی از فرزندان شهید مطهری می‌گوید: من مکرر شاهد تواضع و احترام خاص پدر و معلم عزیزم نسبت به پدر بزرگوارش بودم، هرگاه به فریمان می‌رفتیم پدرم تاکید داشتند که نخست به منزل پدر و مادرشان بروند. در موقع روبه‌رو شدن با پدر و مادر، دست آنان را می‌بوسیدند و به ما نیز توصیه می‌کردند که دست ایشان را بوسیم.^۱

۲-۱. تکریم سالمندان از منظر روایات

تکریم بزرگ‌ترها و به‌خصوص سالمندان، در احادیث اهل‌بیت علیهم‌السلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ تا آنجا که رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روایتی فرموده است: «إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا... وَفَرَّ صَغِيرُهُمْ كَبِيرُهُمْ؛^۲ هرگاه خداوند به خانواده‌ای نظر خیر کند [ویژگی‌هایی به آن خانواده می‌دهد که یکی از آن ویژگی‌ها این است که]... کوچک‌ترهای آن خانواده، بزرگترهای آن را احترام می‌کنند». این سخن دقیقاً برخاسته از سخن خداوند متعال در قرآن است که در بالا بیان شد. در روایات اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز احترام نسبت به پدر و مادر - حتی در زمان سال‌خوردگی - اینگونه ترسیم شده است:

۱. آنان را به اسم صدا نکنید؛^۳

۲. به احترام‌شان از جای برخیزید؛

۳. جلوتر از آنان راه نروید؛^۴

۴. با آنان بلند و پرخاشگرانه سخن نگویند؛

1. <https://rasekhoon.net/article/show/202778>

۲. محمد بن محمد ابن اشعث، الجعفریات (الأشعثیات)، ص ۱۴۹.

۳. از امام کاظم علیه‌السلام نقل شده است که مردی از رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پرسید: حق پدر بر فرزند چیست؟ حضرت فرمود:

«لَا يَسْمِيهِ بِاسْمِهِ وَ لَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ وَ لَا يَسْتَسْبِئُ لَهُ؛ او را به نام نخواند و جلوی او راه نرود و پیش از وی نشیند و وسیله دشنام به او را فراهم نکند».

محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۵۸.

۴. امام باقر علیه‌السلام فرموده است: «إِنَّ أَبِي نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ وَ مَعَهُ ابْنُهُ يَمْشِي وَ الْإِبْنُ مُتَّكِئٌ عَلَى ذِرَاعِ الْأَبِ قَالَ فَمَا كَلِمَةُ أَبِي

مَقْتًا لَهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا؛ پدرم به مردی نگاه کرد که پسرش به همراه او بود و آن پسر به شانه پدرش تکیه کرده بود،

فرمود: پدرم با آن پسر از بدی آن کارش سخن نگفت تا از دنیا رفت». محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص

۶۵.

۵. نیازهایشان را پیش از آنکه بگویند برآورده نمایید؛

۶. خدمتگزاری به آنان را وظیفه بزرگی بدانید و از آنان در سن پیری و کهولت مراقبت نمایید. در روایات بسیاری آمده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بزرگان و پیران اقوام را مورد احترام ویژه قرار می‌داد و آنان را در صدر می‌نشاند و همگان را به حفظ حرمت و نیکی به بزرگان فرا می‌خواند تا آنجا که فرمود: «بَجَلُوا الْمَشَايخَ فَإِنَّ مِنْ إِجْلَالِ اللَّهِ تَبْجِيلَ الْمَشَايخِ»^۱ تکریم سالخوردگان، اجلال خداوند تعالی است».

ابراهیم بن شعیب می‌گوید: به امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام عرض کردم پدرم بسیار پیر و سالخورده و ناتوان شده است. هر گاه حاجتی داشته باشد، او را بر می‌دارم و بر دوش می‌کشم. حضرت فرمود: «إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَلِيَ ذَلِكَ مِنْهُ فَأَفْعَلْ وَ لَقَمُهُ بِيَدِكَ فَإِنَّهُ جُنَّةٌ لَكَ غَدًا»^۲ اگر بتوانی عهده‌دار کارهای او شوی، چنین کن. حتی با دستانت لقمه در دهانش بگذار که فردای قیامت، برای تو سپری در برابر آتش قیامت خواهد شد».

امیر مؤمنان علی عَلَيْهِ السَّلَام، بزرگداشت سالمندان را زمینه‌ساز احترام خود انسان دانسته و فرموده است: «وَقَرُّوا كِبَارَكُمْ يُوقِرْكُمْ صِعَارَكُمْ»^۳ به بزرگانستان احترام کنید تا کوچکترها شما را محترم شمارند».

این سخن دقیقاً ناظر به برداشت محصول از زراعتی است که انسان با رفتارش در ضمیر و لوح جان کوچکترها می‌کارد. حافظ چه زیبا سرود:

دهقان سالخورده چه خوش گفـت با پسر

کای نور چشم من، به جز از کِشـته، ندروی!^۴

ذهن پاک و دل صاف کوچکترها از رفتار بزرگترها الگو گرفته است و نقش می‌پذیرد؛ پس باید با رفتاری نیکو و مؤدبانه شخصیت آن‌ها را ساخت. اگر ما به سالمندان خود احترام نگذاریم، از خردسالان و نوجوانان چه انتظاری داشته باشیم که با سالخوردگان و بزرگترها به احترام، تعظیم و تکریم برخورد کنند؟ این ارتباط متقابل در تأثیرگذاری‌های رفتاری را نمی‌توان نادیده گرفت و به

۱. محمد بن حسن طوسی، الأمالی، ص ۳۱۱.

۲. حسین بن سعید کوفی اهوازی، الزهد، ص ۳۵.

۳. علی بن محمد لیثی واسطی، عیون الحکم و المواعظ، ص ۵۰۴، ح ۹۲۴۴.

۴. شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی، دیوان حافظ، غزل شماره ۴۸۶.

قول معروف، اگر احترام امامزاده توسط متولی رعایت نشود، از دیگران چه انتظاری است؟!۱

۲. جامعه و تکریم سالمندان

در جامعه مردم و مسئولان در قبال سالمندان وظایفی دارند که بدان اشاره می‌شود:
۱-۲. وظیفه افراد در قبال تکریم سالمندان

سالمندان، افرادی با کوله‌باری از تجربه هستند و بهره‌مندی از تجربه‌های آنان برای جوانان امروزی که شاید فکر می‌کنند دانای کُل هستند، سرمایه‌ای بسیار ارزشمند و گران‌قیمت است. جای سالمندان پیش از آنکه در آسایشگاه‌ها و سرای سالمندان باشد، کانون گرم و با محبت خانواده است تا چراغ خانه روشن بماند و محور تجمُّع و الفت افراد گردد و از تجربیات و اندوخته‌های آن‌ها نیز استفاده شود؛ زیرا سالمندان حاصل یک عمر تجربه هستند و سرد و گرم روزگار را چشیده‌اند و می‌توانند مشاوران خوبی در تصمیم‌گیری‌های زندگی باشند؛ چنانکه امیر مؤمنان علی علیه السلام فرموده است: «رَأَى الشَّيْخَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ جَلْدِ الْعُلَامِ؛^۱ تدبیر پیرمرد را از رشادت جوان دوست‌تر دارم».

واژه «شیخ» در لغت عرب تنها دلالت بر سالخوردگی ندارد؛ بلکه این واژه سه عنصر «سن»، «تجربه» و «شناخت و علم» را در بر می‌گیرد. با این حال سالمندانی که افزون بر داشتن امتیاز سن و تجربه، دارای معرفت و علم باشند؛ می‌توانند در هدایتگری دیگران نقش آفرین باشند.

آنچه بیند آن جوان در آینه پیر اندر خشت می‌بیند همه^۲

امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق، درباره رعایت حق سالمندان اینگونه سفارش کرده است:
وَ حَقُّ الْكَبِيرِ: تَوْقِيرُهُ لِسُنَّهِ، وَ إِجْلَالُهُ لِتَقَدُّمِهِ فِي الْإِسْلَامِ قَبْلَكَ، وَ تَرْكُ مُقَابَلَتِهِ عِنْدَ الْخِصَامِ، وَ لَا تَسْبِقُهُ إِلَى طَرِيقٍ، وَ لَا تَتَقَدَّمَهُ، وَ لَا تَسْتَجْهَلُهُ، وَ إِنْ جَهَلَ عَلَيْكَ احْتَمَلْتَهُ وَ أَكْرَمْتَهُ لِحَقِّ الْإِسْلَامِ وَ حُرْمَتِهِ؛^۳ حق سالخورده این است که حرمت پیری‌اش را پاس بداری. اگر سوابق فضیلت در اسلام دارد، اجلالش کنی و او را مقدم بداری. در اختلافات خصمانه با او روبه‌رو نشوی و در راه رفتن بر او سبقت نگیری. پیشاپیش او

۱. محمد بن حسین شریف الرضی، نهج البلاغه، تصحیح صبحی صالح، ص ۴۸۲.

۲. جلال‌الدین محمد بلخی، مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بیت ۳۲۷۵.

۳. علی احمدی میانجی، مکاتیب الأئمة علیهم السلام، ج ۳، ص ۱۹۴.

راه نروی و نادانش‌نشماری. اگر رفتار جاهلانه‌ای داشت، تحملش کنی و به مقتضای سوابق مسلمانی و سالمندی احترامش کنی که حق سن و سال نیز چون حق اسلام است.

رسول خدا ﷺ درباره کسی که حقوق سالخوردگان را رعایت کند، فرموده است: «مَنْ عَرَفَ فَضْلَ كَبِيرٍ لِسِنَّةٍ فَوْقَهُ أَمَنَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ فَرَعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ کسی که برتری سالخوردگان را دریابد و به خاطر سن‌شان آن‌ها را احترام کند، خداوند او را از عذاب روز قیامت در امان می‌دارد».

بنابراین وظیفه همه افراد جامعه است که افراد سالخورده را تکریم، و به آنان نیکی کنند و از آن‌ها مراقبت نمایند تا زمینه ایجاد جامعه‌ای پر نشاط و خانواده‌ای پر از صفا و صمیمیت مهیا گردد.

۲-۲. وظیفه حاکمیت در قبال تکریم سالمندان

وظیفه حاکمیت در قبال سالمندان جامعه آن است که با اجرای برنامه‌های حمایتی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، روانی، بهداشتی و پزشکی، به این سرمایه‌های بزرگ که در گذشته موجب تحول و پویایی نظام جامعه بوده‌اند؛ بها دهد و زمینه حضور مستمر سالمندان را در جامعه فراهم نماید. نظام حاکم با اجرای برنامه‌های حمایتی، می‌تواند سالمندان جامعه را به استقلال مالی رساند تا دیگر سربار فرزندان و خانواده‌های خویش نباشند و در مقابل آنان سربلند باشند و بتوانند گاهی همه فرزندان را دور خود جمع نمایند.

در روایتی آمده است پیرمردی نابینا‌گدایی می‌کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام او را دید و پرسید: «مَا هَذَا؟». گفتند: «پیرمردی نصرانی است». امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبِرَ وَ عَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ أَنْفَقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ؛^۲ از او چندان کار کشیدید تا پیر و ناتوان شد، حال به او چیزی نمی‌دهید؟ خرج او را از بیت‌المال بدهید».

پرسش حضرت درباره آن مرد با لفظ «مَا هَذَا؟؛ این چیست؟» به معنای این است که پرسش از وضعیت اوست؛ زیرا لفظ «مَا» برای سؤال از اشیاست، نه از اشخاص. حضرت با این سؤال می‌خواهد وضع ناپسند و زشت جامعه را گوشزد نماید که چرا از شخصی تا زمانی که توان

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۵۸.

۲. محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۲۹۳.

داشته است، استفاده کرده‌اید و اکنون که توان جوانی را از دست داده است، او را رها کرده‌اید؟! این مسئله برای جامعه‌ای که پرچم قرآن در آن در حال اهتزاز است، زبینه نیست. بنابراین حکومت در برابر سالمندان وظایف خاصی دارد؛ زیرا آنان در دوره جوانی به جامعه خدمت کرده‌اند و در دوران پیری که افول نیروی آدمی است، باید حق شان به آنان بازگردانده شود. این مسئله از جمله حقوق شناخته شده سالمندان است. حکومت بدون در نظر گرفتن مذهب و گرایش‌های فکری سالمند، باید به این امر پایبند باشد.^۱

۳. آسیب‌های تکریم نکردن سالمندان

سالمندان، مایه برکت جامعه هستند. آنان در واقع تصویر «خود ما» هستند و مگر جز این است که ما باید برای خودمان احترام و ارزش قایل شویم. اگر ارزش وجودی آن‌ها و آگاهی‌هایشان را همواره در نظر داشته باشیم، چه برکتی بالاتر از برکت این نسل و چه نعمتی برتر از نعمت وجود سالمندان وجود دارد؟ از این رو اگر آنان را برنجانیم و یا اذیت کنیم و از بودنشان در کنارمان ناسپاسی کنیم و گرفتار عاق آنان شویم، باید منتظر عواقب بدی باشیم؛ چنانکه در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِيَّاكُمْ وَ عُقُوقَ الْوَالِدَيْنِ فَإِنَّ رِيحَ الْجَنَّةِ تُوَجَّدُ مِنْ مَسِيرَةِ أَلْفِ عَامٍ وَ لَا يَجِدُهَا عَاقٌ وَ لَا قَاطِعٌ رَحِمٍ...»^۲؛ پرهیزید از ناسپاسی پدر و مادر؛ زیرا بوی بهشت از مسافت هزار سال راه شنیده شود و عاق والدین و قاطع رحم... آن را نشنود».

تعبیر روایت اشاره لطیفی به این موضوع دارد که افرادی که در مورد پدر و مادر - خصوصاً پدر و مادر سالمند - کوتاهی و ناسپاسی می‌کنند و گرفتار عاق والدین می‌شوند، نه تنها در بهشت گام نمی‌گذارند؛ بلکه در فاصله بسیار زیادی از آن قرار دارند و حتی نمی‌توانند به آن نزدیک شوند.

فهرست منابع

کتاب:

۱. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، چاپ اول، تهران: ناشر مکتبه

۱. فاضل بهرامی و عباس رضائی فرانی، «بهداشت روان سالمند در قرآن و حدیث»، مجله سالمندی ایران، ص ۷۳.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۴۹.

النینوی الحدیثة، [بی تا].

۲. احمدی میانجی، علی، مکاتیب الأئمّه علیهم السلام، تصحیح مجتبی فرجی، چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۶ق.

۳. بلخی، جلال‌الدین محمد، مثنوی معنوی، چاپ ۲۵، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۹۷ش.

۴. حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد، دیوان حافظ، چاپ سوم، تهران: پارامیس، ۱۳۸۹ش.

۵. شریف‌الرضی، محمد بن حسین، نهج‌البلاغه، تصحیح صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.

۶. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، چاپ اول، قم: دار الثقافة، ۱۴۱۴ق.

۷. _____، تهذیب الأحکام، تصحیح حسن الموسوی خراسان، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۸. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، تصحیح غلامرضا عرفانیان یزدی، چاپ دوم، قم: المطبعة العلمیه، ۱۴۰۲ق.

۹. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.

۱۰. لثی واسطی، علی بن محمد، عیون‌الحکم و المواعظ، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، چاپ اول، قم: دارالحدیث، ۱۳۷۶ش.

۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴ش.

مجلات:

۱. اصغرپور، حسن و غلامرضا معارفی، «جایگاه سالمندان و نحوه تعامل با آنها در روایات اهل‌بیت علیهم السلام»، نشریه سالمندشناسی، دوره ۵، شماره ۳، ۱۳۹۹، ص ۸-۱.

۲. بهرامی، فاضل و عباس رمضان‌فرانی، «بهداشت روان سالمند در قرآن و حدیث»، مجله سالمندی ایران، سال چهارم، شماره یازدهم، بهار ۱۳۸۸، ص ۷۰-۸۳.